



مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی با تأکید بر سیاست‌های متولیان فرهنگ و هنر جامعه کنونی ایران

محمدرسول درویشی^۱، محمدرضا قاندى^۲ , گارینه کشیشیان سیرکی^۳، محمد توحید فام^۴

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران. dutism33@gmail.com
^۲ (نویسنده مسئول) دکتری تخصصی، استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. ghaedi@iaushiraz.ac.ir
^۳ دکتری تخصصی، استادیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. dutism316@gmail.com
^۴ دکتری تخصصی، استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. dutismm33@gmail.com

چکیده

اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی از مهم‌ترین عناصر مهم نظم اجتماعی محسوب می‌شود؛ لذا اگر در تعاملات اجتماعی میان اعضای یک جامعه بی‌اعتمادی حاکم یا سطح اعتماد اندک باشد، روابط پایدار میان اعضای جامعه کمتر برقرار می‌شود. با وجود آنکه دولت‌ها نقش اساسی در تقویت یا تضعیف یا اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی دارند، جستجوهای متعدد حاکی از آن است که این حوزه مورد کنکاش جدی اندیشمندان داخلی قرار نگرفته است. به همین دلیل این پژوهش به دنبال این پاسخگویی به این سؤال است که مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی را با تأکید بر سیاست‌های فرهنگ و هنر در برهه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ (دولت روحانی) بررسی کند. این پژوهش با استفاده از روش پیمایش و ابزار فراتحلیل انجام گرفته است؛ ابزار فراتحلیل مهم‌ترین ابزار برای خلاصه‌سازی تحقیقات گذشته است، خصوصاً هنگامی که حجم نمونه در یک مطالعه، آن قدر کم باشد که نتوان به نتیجه‌گیری مطمئنی رسید. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که عملکرد دولت و سیاست‌های فرهنگی و هنری آن‌ها موجب شده است که سرمایه اجتماعی در سه سطح خرد، میانی و کلان کاهش داشته است.

اهداف پژوهش

۱. تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی دولت روحانی).
۲. بررسی سیاست‌های فرهنگی و هنری بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی.

سؤالات پژوهش

۱. کدام مؤلفه‌ها بر ایجاد اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی در جمهوری اسلامی تأثیرگذار بوده است؟
۲. سیاست‌های فرهنگی و هنری در جمهوری اسلامی چه نقشی بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی داشته است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۳

دوره ۱۸

صفحه ۲۲۰ الی ۲۳۳

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۲۲

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۲/۱۱

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۹/۰۱

کلمات کلیدی

سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی، جمهوری اسلامی ایران، دولت روحانی، سیاست‌های فرهنگی و هنری.

ارجاع به این مقاله

درویشی، محمدرسول، قاندى، محمدرضا، کشیشیان سیرکی، گارینه، توحید فام، محمد. (۱۴۰۰). مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی با تأکید بر سیاست‌های متولیان فرهنگ و هنر جامعه کنونی ایران. هنر اسلامی، ۱۸(۴۳)، ۲۲۰-۲۳۳.



[dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1400.18.43.6.9](https://doi.org/10.22034/IAS.2020.239280.1294)



dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.239280.1294

مقدمه

اهمیت سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی برای یک نظام اجتماعی را می‌توان به پاروزنان یک کشتی یا قایق بزرگ تشبیه و تشریح کرد. اگر پاروزنان همه درک کرده باشند که تنها راه نجات آن‌ها حفظ کشتی از غرق شدن و کوشش در جهت رسیدن به هدف باشد، ناخدا نیز باتدبیر و هدایت عاقلانه، آنها را به پارو زدن هماهنگ و هم‌زمان در یک مسیر وادارد، در آن صورت کشتی می‌تواند به هدف برسد؛ اما اگر هرکسی برای خود و ناهماهنگ با بقیه پارو بزند، نیروها هدررفته و احتمالاً کشتی به دور خود می‌چرخد و هنگام طوفان غرق می‌شود. مهم‌ترین مؤلفه برای تقویت سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی را می‌توان حکمرانی خوب دانست؛ مانند برخی دیگر از مفاهیم، حکمرانی خوب را می‌توان بر اساس ویژگی‌های آن یا بر اساس فرآیند تعریف کرد. به عبارت دیگر در تعریف بر اساس ویژگی‌ها، وضعیت حکمرانی خوب تعریف می‌شود. حکمرانی خوب عبارت است از: حاکمیت با ویژگی‌هایی همچون مشارکت‌جویی، شفافیت، پاسخگویی، اثربخشی، رعایت برابری، ارتقای حاکمیت قانون و تعیین اولویت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر مبنای اجماع وسیع‌تر که در آن ندای ضعیف‌ترین و آسیب‌پذیرترین افراد در اتخاذ تصمیمات و تخصیص منابع شنیده شود. دولت روحانی در شرایط دشوار تصدی قدرت اجرایی کشور را در سال ۱۳۹۲ عهده‌دار شد که در سطح منطقه و جهان، برآورده کردن خواسته‌های مردم را سخت‌تر ساخته بود. دولت آقای روحانی با حمایت اثرگذار همه جریان‌ها و نیروهای تحول‌خواه در کشور، تصدی خود را آغاز کرد. سرمایه عظیم اصلاح‌طلبان پشت سر دولت آقای روحانی قرار گرفت. به دلیل استفاده نکردن از ظرفیت عظیم اجتماعی - سیاسی مردم ایران، به‌ویژه آنان که رأی به آقای روحانی را رأی به تغییر، بهبود، پیشرفت و توسعه می‌دانستند، شرایط سخت‌تر هم شد. انتظار می‌رفت دولت روحانی خود را از حلقه‌ها و جریان‌های بسته پیشین رها کرده و زمینه را برای مشارکت گسترده هواداران دگرگونی در نهادهای اجرایی فراهم سازد. ولی دولت نتوانست از دایره‌های بسته خارج شود و با کنار گذاشتن مدیران مادام‌العمر راه را برای جوانان و نیروهای خلاق و تازه‌نفس در عرصه اقتصاد و سیاست بگشاید. این دولت نتوانست از نیروی انسانی عظیم در جامعه به‌درستی بهره‌برداری کند. در این زمینه به استفاده نکردن از نهادهای علمی و پژوهشی در حوزه‌های مختلف می‌توان اشاره کرد. حال این سؤال مطرح می‌شود که مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در دولت روحانی چیست؟ لذا پژوهش حاضر درصدد واکاوی این مسئله است.

درخصوص این موضوع تاکنون اثر مستقلی به رشته تحریر درنیامده است. طاهری آکردی، محسن (۱۳۹۳)، در پایان‌نامه خود با عنوان «نقش دولت الکترونیک در تحقق حکمرانی خوب در ایران» معتقد است که بشر همواره به دنبال به‌کار بردن بهترین روش برای برقراری ارتباط با دیگران بوده است. بر این اساس حکومت‌های مردمی نیز همواره به دنبال یافتن راهی بوده‌اند تا با برقراری تعاملی مناسب با شهروندان خود، ثبات و پایداری را برای خود به ارمغان بیاورند. سه‌گانه، مهرداد (۱۳۹۴)، در ارزیابی وضعیت حکمرانی خوب در نظام اداری ایران از منظر خبرگان، معتقد است از آنجایی که مهم‌ترین عامل توسعه هر کشوری، نظام اداری آن کشور است و خبرگان این حوزه، دارای برداشت‌های تخصصی درخصوص نحوه عملکرد آن هستند، این پژوهش با استفاده از مدل مطرح‌شده در بانک جهانی، به بررسی

وضعیت شاخص‌های حکمرانی خوب در نظام اداری ایران از منظر خبرگان می‌پردازد. برای دستیابی به نظرات خبرگان نظام اداری، از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی گلوله برفی استفاده شد که از این طریق، دیدگاه ۷۰ نفر از خبرگان با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری شد. نتایج حاصل از پردازش داده‌های او نشان می‌دهد که مدل به کار گرفته شده، مدل نظری قوی برای ارزیابی وضعیت حکمرانی از طریق شاخص‌های موردبررسی بوده است. نتایج تحقیق او حاکی از آن است که تفاوت سنی و میزان تحصیلات خبرگان مورد مطالعه، در دیدگاه آنان نسبت به حکمرانی خوب و شاخص‌های آن در نظام اداری ایران اثری نداشته؛ ولی بین میانگین نظرات طبقه کارشناسان ارشد با طبقات مدیران پایه و مدیران ارشد در خصوص شاخص ثبات سیاسی و نبود تروریسم اختلاف نظر وجود دارد. علی‌لو، سهیلا (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با عنوان «الزامات تحقق ایده حکمرانی مطلوب در نظام تقنینی ایران در پرتو نظام نظارت و تعادل»، معتقد است که مفهوم حکمرانی مطلوب یکی از مفاهیمی است که در چند دهه اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است و در این باره تحقیقات و مطالعات زیادی انجام گرفته است. از نظر او این مفهوم در قالب چند شاخص معرفی شده است که به نحو اجمالی به معنای ایجاد یک حکومت مبتنی بر قانون و دارای امنیت و ایجادکننده اعتماد در میان اعضای یک جامعه است. از جمله این شاخص‌ها می‌توان به حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت و پاسخگویی، انعطاف‌پذیری و مشارکت‌جویی اشاره کرد. شکوه‌فر، بنیامین (۱۳۹۷)، در نقش بودجه‌ریزی عملیاتی در ارتقاء حکمرانی خوب (مورد پژوهی ایالات متحده آمریکا و ایران)، بر آن است که دو مفهوم بودجه‌ریزی و حکمرانی در بستری تاریخی شکل گرفته در طی ارتباط متقابل با یکدیگر، به جایگاه امروزی خود دست یافته‌اند. گذار از مراحل مختلف این مسیر تاریخی برای جوامع مختلف با فرازونشیب‌های گوناگونی همراه بوده است. در این مسیر، حکمرانی در برخی جوامع به جایگاه امروزی خود یعنی حکمرانی خوب و بودجه‌ریزی به مرحله بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد رسیده است.

۱. اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی

میزان یا سطح انتظار عموم برای دریافت پاسخ مثبت از طرف متولیان امور عمومی به خواسته‌هایشان و اعتماد عمومی، شهروندان را به نهادها و سازمان‌هایی که نمایندگان آنها هستند، پیوند می‌دهد و از این طریق مشروعیت و اثربخشی دولت دموکراتیک افزایش می‌یابد. همچنین بر این نکته تأکید می‌شود که تنها سطح متوسطی از اعتماد، کارکردی و سازنده است؛ به این معنی که اعتماد احساسی و افراطی مردم نسبت به دولت و مدیران دولتی، مانع نقد و اصلاح عملکرد آنها می‌شود و کاهش اعتماد عمومی نیز مشروعیت مدیریت دولتی و نظام سیاسی را زیر سؤال خواهد برد (خانباشی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۲-۳۳). سرمایه اجتماعی عبارت است از: ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به‌عنوان منبعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف خود دست یابند. سرمایه اجتماعی، مجموعه نهادها، قوانین، روش‌های عادات اجتماعی، سنت‌ها و قواعد رفتاری غیررسمی جامعه است که مناسبات اجتماعی بین مردم یک جامعه را شکل می‌دهد. سرمایه اجتماعی به‌منزله چسبی است که انسجام جوامع را تضمین می‌کند و بدون آن هیچ رشد اقتصادی با بهزیستی انسانی میسر نمی‌شود. پاتنام دو نوع سرمایه اجتماعی را از هم متمایز کرده است که عبارت‌اند از: سرمایه اجتماعی برون‌گروهی دربرگیرنده یا اتصالی یا جامع و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی محدود یا انحصاری.

صاحب‌نظران، سرمایه اجتماعی را در سطوح مختلف بیان کرده‌اند که اهم آنها به شرح زیر است: سرمایه اجتماعی در این سطح ملی اشاره به شبکه‌ها، ارتباطات و هنجارهایی دارد که کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی را شکل می‌دهد. سرمایه اجتماعی فقط مجموع نهادهایی که جامعه را تشکیل می‌دهند، نیست؛ بلکه سبب ایجاد این نهادها نیز می‌شود (بانک جهانی، ۱۹۹۸). کوهن و پروساک اعتقاد دارند که سرمایه اجتماعی می‌تواند به توسعه اقتصادی کمک کند. برخی از مزایای مورد اشاره توسط این افراد به شرح زیر است: به اشتراک گذاشتن بهتر دانش، ایجاد روابط مبتنی بر اعتماد، ایجاد روح تعاون، (درون سازمان، بین سازمان و مشتریان و شرکا) کاهش نرخ جابجایی، کاهش هزینه‌های استخدام، کمک به آموزش، ابقای دانش سازمانی، کاهش تغییرات نیروی کار، افزایش فعالیت‌های مرتبط با ثبات سازمانی و درک مشترک (الماسی و حسینی، ۱۳۹۸: ۴۲).

در سطح فردی ارتباط بین افراد ایجاد می‌شود؛ مانند هنگامی که مادری از دوستش تقاضا می‌کند تا بچه او را برای مدتی نگه دارد. این رابطه دوستی ناشی از سرمایه اجتماعی میان مادر و دوست است. در سطح گروهی ارتباط بین گروه‌ها ایجاد می‌شود؛ مانند مثالی که جیمز کلمن از فروشندگان بازار عمده‌فروشی الماس در شهر نیویورک نقل می‌کند. او در این مثال نشان می‌دهد که چگونه تعهد متقابل اعضای گروه و ضمانت‌های مؤثر برای ممانعت از خیانت‌درامانت موجب شده تا همبستگی گروهی در سطح بالایی حفظ و تداوم یابد. در این سطح ارتباط در سطح اجتماع ایجاد می‌شود. پاتنام و فوکویاما در کارهایشان به این سطح از سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی موجب شده تا نهادهای دموکراتیک حکومتی وظایف خود را بهتر انجام دهند و از نظر فوکویاما، سرمایه اجتماعی نظم اجتماعی را به طریق مؤثر و کارآمدی حفظ و تداوم می‌بخشد. ۳- سرمایه اجتماعی در سطوح فردی، گروهی، سازمانی، ملی و فراملی: در این دیدگاه با توجه به پدیده جهانی شدن و لزوم ایجاد مناسبات و ارتباطات مناسب با دیگر کشورها، سطح فراملی نیز به سطوح قبلی به شرح فوق اضافه شده است (رحمانی و دیگران، ۱۳۸۷: ۸۳-۸۱). یافته این تحقیق براساس رصد صورت‌گرفته توسط مرکز رصد اجتماعی کشور در سال ۱۳۹۷ است. در این رصد شاخص‌های سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در سه سطح خرد، میانی و کلان صورت گرفته است.

۲. نقش مدیران فرهنگی- هنری در سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی

استفاده مؤثر از رسانه‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی نقش مهمی در ایجاد سرمایه فرهنگی دارد. مدیران سازمان‌های فرهنگی می‌توانند با تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های تخصصی در سازمان‌ها و مشارکت داوطلبانه کارشناسان و متخصصان موجبات ارتقاء سرمایه اجتماعی را فراهم کنند. ایجاد انجمن‌ها و گروه‌های تخصصی در سازمان‌ها می‌تواند موجب کاهش هزینه‌های نظارت و کنترل رسمی در سازمان شده و علاوه بر تقویت احساس تعلق به یک گروه تخصصی و حرفه‌ای در اعضا، موجب افزایش سطح انگیزش و رشد فردی شود. پرهیز از تصدی‌گری بخش‌های مختلف فرهنگی و واگذاری فعالیت‌های مربوطه به مردم برای جلب مشارکت آنها در فعالیت‌ها و زمینه‌سازی، ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و شبکه‌های اعتماد بین آحاد مختلف مردم نقش مهمی دارد. بین بسترسازی فرهنگی- هنری توسط مدیران و ارتقاء سرمایه اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد. سازمان‌های فرهنگی-هنری دولت در عصر حاضر از سرمایه

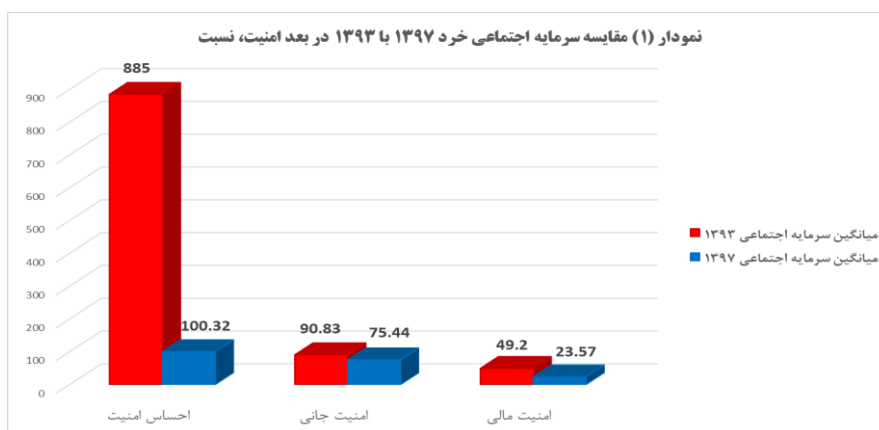
اجتماعی ضعیفی برخوردار هستند و مدیران فرهنگی در ایفای نقش مدیریتی خود در ارتقاء سرمایه فرهنگی ضعیف عمل کرده‌اند (حمیدی، اصفهانی، ۱۳۸۷: ۸۱).

مدیران فرهنگی باید از طریق تسهیل دسترسی افراد به کالاهای هنری و فرهنگی زمینه ارتقای سرمایه اجتماعی را فراهم کنند؛ زیرا چرخش فرهنگی در جامعه، منجر به افزایش سرمایه فرهنگی می‌شود و در نوع خود نقش مهمی در افزایش سرمایه اجتماعی دارد. بین دسترسی به کالاهای هنری و خدمات فرهنگی و مؤلفه‌های احساس امنیت، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت مدنی رابطه معناداری وجود دارد (اسماعیلی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۰۴).

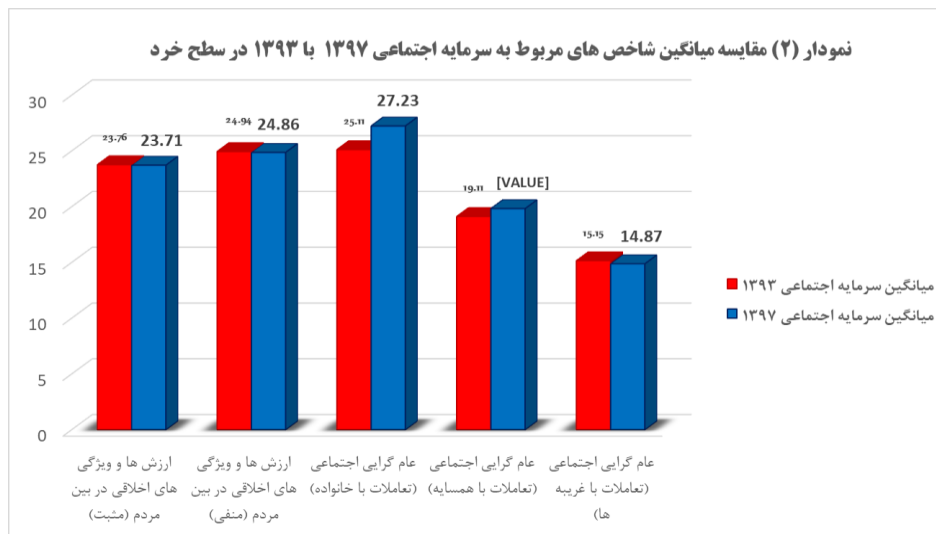
مدیران فرهنگی می‌توانند از طریق ایجاد کانون‌های فرهنگی هنری نقش مهمی در ایجاد سرمایه اجتماعی داشته باشند. فضای موجود در این کانون‌ها و مراکز نه تنها زمینه همکاری و مشارکت اجتماعی را ایجاد می‌کند؛ بلکه از تأثیرات حذفی سایر تشکلهای که ضد سرمایه اجتماعی عام‌گرایانه است، مبرا است. این کانون‌ها این توانایی را دارند که با گروه‌های دیگر در جامعه ارتباط برقرار کنند. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در این مراکز بسیار بالا بوده و سطح صمیمیت و روابط دوستانه و اعتماد و همیاری در کانون‌های فرهنگی در سطح مطلوب است (شیری، مرشدی، ۱۳۸۹: ۱۷۰-۱۷۵). با این تفاسیر مدیران فرهنگی هنری می‌توانند از طریق استقلال‌دهی به نهادهای فرهنگی و هنری مردمی و گسترش مراکز فرهنگی و هنری مستقل نقش مهمی در ایجاد سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی ایفا کنند.

۳. شاخص سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در سطح خرد

مقایسه نسبت شاخص‌های مربوط به سرمایه اجتماعی در سطح خرد در سه سطح صورت گرفته است. در سطح نخست به شاخص‌های احساس امنیت، رضایت از شغل، عرق ملی و اعتماد عمومی پرداخته شده است که در ذیل بیان می‌شود.

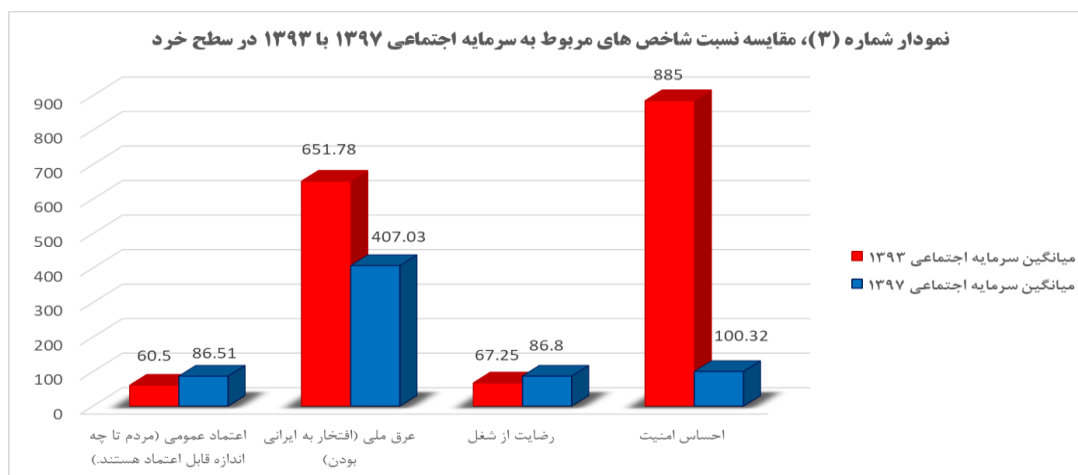


(منبع: پژوهش صورت‌گرفته توسط مرکز ملی رصد اجتماعی)



(منبع: پژوهش صورت گرفته توسط مرکز ملی رصد اجتماعی)

مشارکت کنندگان در این پیمایش در سال ۱۳۹۳ در هر یک از موارد احساس مسئولیت کردن، صداقت داشتن، اعتماد داشتن، حاضر به تعامل شدن و همکاری کردن، رعایت حقوق و حقوق، خیرخواهی، منصف بودن، گذشت و مدارا داشتن و کمک و یاری کردن را در حق خانواده خود حدود ۲۵,۱۱ دانستند. در سال ۱۳۹۷ این آمار به ۲۷,۲۳ رسیده است. این در حالی است که درباره همسایه ها و آشنایان در سال ۱۳۹۳ حدود ۱۹ و در سال ۱۳۹۷ حدود ۲ درصد به میزان زیاد بوده است. برای غریبه ها در سال ۱۳۹۳ حدود ۱۵,۱۵ و در سال ۱۳۹۷ حدود ۱۴,۸۷ درصد در حد زیاد اعلام کرده اند. این اطلاعات نشان می دهد افرادی در قبال اعضای خانواده خود بیشترین تعامل و بهترین جهت گیری عمل را در مقایسه با غریبه ها دارند. این امر نشان دهنده غلبه و اهمیت سرمایه اجتماعی خانوادگی در ایران است. روابطی که در آن پیوند خویشاوندی، نزدیکی و روحی اهمیت بیشتری نسبت به روابط غیرچهره به چهره و نا آشنا دارد. ارزش ها و ویژگی های اخلاقی در بین مردم (مثبت) یکی دیگر از شاخص های سرمایه اجتماعی است. در این دو پیمایش، ارزش ها و ویژگی های اخلاقی در بین مردم (مثبت) تغییر چندانی نکرده است و هر دو شاخص حدود ۲۴ درصد است. دیگر شاخص ما یعنی ارزش ها و ویژگی های اخلاقی در بین مردم (منفی) نیز تغییر معناداری نداشته است و هر دو پیمایش حدود ۲۵ درصد است.



(منبع: پژوهش صورت گرفته توسط مرکز ملی رصد اجتماعی)

۴. شاخص‌های سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در سطح میانی

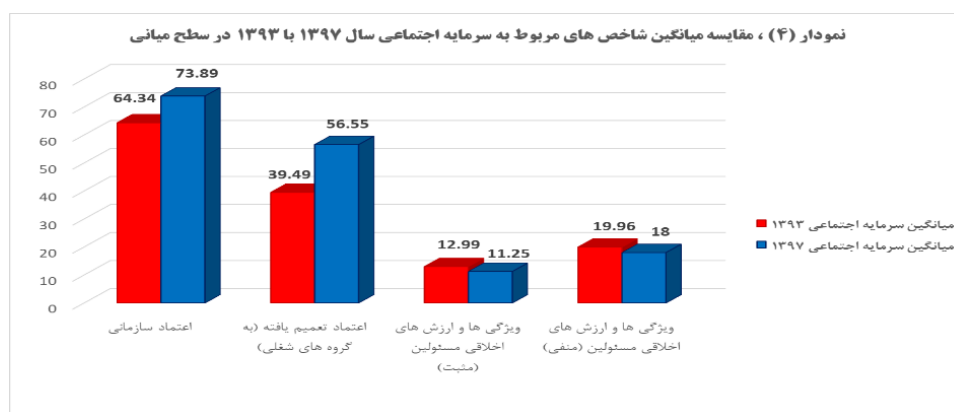
اعتماد در سطح عام و عمومی به سطح اطمینانی مربوط می‌شود که یک فرد نسبت به عموم مردم و آن‌هایی که نمی‌شناسد دارد، مثل اعتماد به سازمان‌ها و مؤسسات جامعه، مغازه‌داران، رانندگان، پلیس، رسانه‌ها، معلمین و غیره. آنتونی گیدنز دربارهٔ اعتماد به نظام‌های انتزاعی یا اعتماد تعمیم‌یافته می‌نویسد: «روابط مبتنی بر اعتماد در فاصله‌گیری گسترده زمانی - مکانی که ملازم مدرنیت است، نقشی بنیادی دارد. اعتماد به نظام‌ها، صورت پایبندی‌های بی‌چهره‌ای را به خود می‌گیرد که طی آن، ایمان به کارایی‌های دانشی که شخص عادی تقریباً از آن چیزی نمی‌داند، حفظ می‌شود. نقاط دسترسی همان پیوندگاه‌هایی هستند که در آنجا اعتماد را می‌توان حفظ یا بنا کرد» (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۰۵).

باید توجه داشت که این سطح از اعتماد تأثیر بسیار مهمی بر روابط و تعاملات اجتماعی داشته و توانایی تنظیم‌کنندگی ارتباطات و مناسبات اجتماعی را دارد. این اعتماد می‌تواند در صورت ضعف و ناتوانی در سطح سوم اعتماد، جایگزین آن شود. در کشور ما این نوع اعتماد دارای قدمت و اهمیت بسیار بالایی است؛ چراکه این گروه‌ها و مؤسسات هستند که با فعالیت خود نیازهای عمده مردم را رفع می‌کنند، تعهدات و پیوندهای اجتماعی را میان مردم برقرار می‌سازند و موجبات رضایت و آسودگی خاطر مردم را فراهم می‌آورند. رضایت مردم از این گروه‌ها و اصناف موجب رضایت و خشنودی آنها از نظام و دولت می‌گردد و مشروعیت عام را ایجاد می‌کند. در جوامعی هم که هنوز نهادها و سازمان‌های ارتباطی حائل میان دولت و ملت شکل نگرفته‌اند یا فاقد توانایی و قدرت لازم هستند مانند نهادهای شهروندی، سازمان‌های مردم‌نهاد، سندیکاها و احزاب، اصناف به‌عنوان رابط میان دولت و ملت، می‌توانند موجبات انسجام و تقویت تعهدات اجتماعی را فراهم کنند.

به نظر می‌رسد ویژگی‌ها و ارزش‌های اخلاقی مسئولین (مثبت) و ویژگی‌ها و ارزش‌های اخلاقی مسئولین (منفی) در هر دو پیمایش سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷ تغییر چندانی نداشته باشند و حدود ۲ درصد کاهش یافته‌اند که بر اساس

روش ما نمی‌تواند چندان معنادار باشد. اعتمادهای تعمیم‌یافته به گروه‌های شغلی که در سال ۱۳۹۳، ۳۹ درصد بوده در پیمایش ۱۳۹۷ به ۵۷ درصد رسیده است که می‌تواند به‌عنوان نقطه‌ای معنادار دیده شود.

اعتماد در محیط‌های کاری که به‌عنوان عامل اصلی بالقوه‌ای است که منجر به بهبود عملکرد سازمانی می‌شود و می‌تواند یکی از منابع مزیت رقابتی در بلندمدت باشد، نیز به‌سرعت موردتوجه قرار گرفته است. ایجاد محیطی که دارای اعتماد سازمانی است، تأثیرات مثبت زیادی برای سازمان‌ها دارد؛ برعکس، هزینه‌های بی‌اعتمادی به علت عدم تمایل کارکنان به همکاری و مشارکت، خطرپذیری به خاطر رفتارهای نامناسب، کیفیت پایین کار و نیاز به کنترل، می‌تواند سنگین باشد. بر اساس رصدهای بالا اعتماد سازمانی در سال ۱۳۹۳ حدود ۶۴ درصد بوده که در سال ۱۳۹۷ به ۷۴ درصد رسیده است که این خود نشان از معناداری تغییر است.



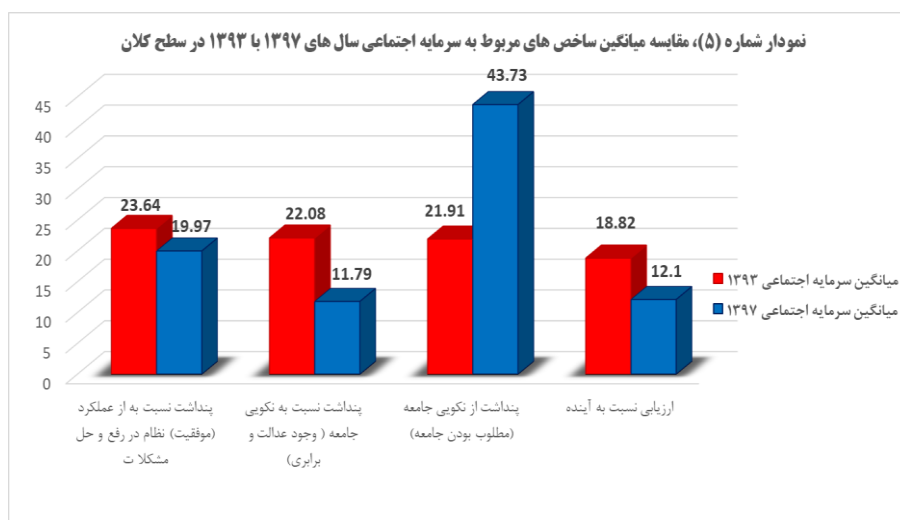
(منبع: پژوهش صورت‌گرفته توسط مرکز ملی رصد اجتماعی)

۵. شاخص‌های سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در سطح کلان

یکی از موضوعاتی که در مطالعه سنجش سرمایه اجتماعی کشور (۱۳۹۳ و ۱۳۹۷) موردتوجه و سنجش قرار گرفته، ارزیابی از آینده است. این ارزیابی در هفت وجه وضع رفاهی، نابرابری اجتماعی، پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و دینی، وضع اقتصادی، وحدت و همدلی، جرم و جنایت و سرانجام فقر و نداری و سنجیده شده است. ارزیابی نسبت به آینده در پیمایش ۱۳۹۳ حدود ۱۹ درصد بوده است که در پیمایش ۱۳۹۷ به ۱۲ درصد رسیده است. با مقایسه این دو عدد متوجه می‌شویم که از میزان امید نسبت به آینده کاسته شده است.

پنداشت از نکویی جامعه با سه شاخص مطلوب بودن جامعه، وجود عدالت و آزادی و عملکرد نظام در رفع و حل مشکلات مشخص شده است. در سطح نخست یعنی، پنداشت از نکویی جامعه (مطلوب بودن جامعه) در پیمایش ۱۳۹۳ حدود ۲۲ درصد بوده است که در سال ۱۳۹۷ به حدود ۴۸ درصد رسیده است. در سطح دوم یا به‌عبارت‌دیگر وجود عدالت و آزادی، پیمایش ۱۳۹۳ حدود ۲۲ درصد بوده است که با کاهش معناداری در سال ۱۳۹۷ به حدود ۱۲ درصد

رسیده است و در گام نهایی، عملکرد نظام در رفع و حل مشکلات که در سال ۱۳۹۳ حدود ۲۴ درصد بوده و در سال ۱۳۹۷ به حدود ۲۰ درصد رسیده است که چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد.



(منبع: پژوهش صورت گرفته توسط مرکز ملی رصد اجتماعی)

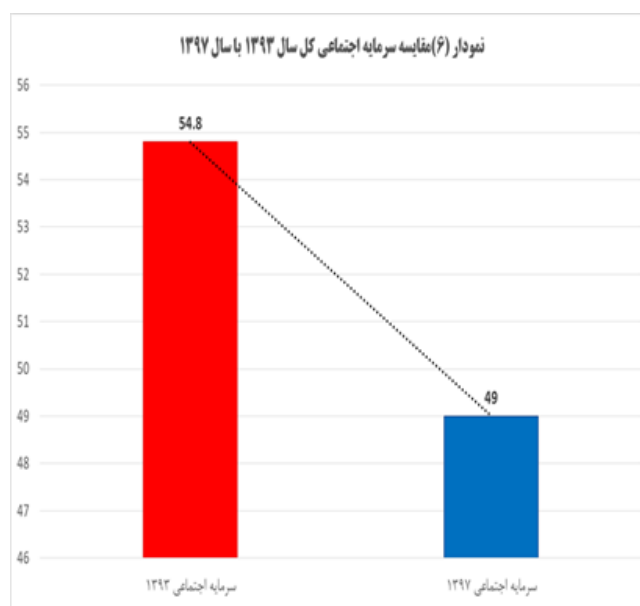
۶. مقایسه سرمایه اجتماعی در سال ۱۳۹۳ با سال ۱۳۹۷

نتایج پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۳ این گونه است: در سطح خرد وضعیت اعتماد مردم نسبت به خانواده و همسایه‌ها و همین‌طور تعامل افراد با خانواده و همسایه‌ها بهبود یافته است؛ اما نکته مهمی که باید به آن اشاره کرد، این است که تعامل با خانواده و همسایه‌ها نسبت به سال ۹۳ افزایش داشته است که نشان‌دهنده سرمایه اجتماعی درون‌گروهی این افراد است. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی اصطلاحاً به سرمایه اجتماعی قدیم نیز اطلاق می‌شود و در مقابل اما تعامل با غریبه‌ها نسبت به سال ۹۳ کاهش یافته است. تعامل با غریبه‌ها نشان‌دهنده سرمایه اجتماعی برون‌گروهی افراد است که اصطلاحاً سرمایه اجتماعی جدید به آن اطلاق می‌شود. در اینجا باید تأکید کرد که افزایش سرمایه درون‌گروهی افراد و در مقابل کاهش سرمایه بین‌گروهی افراد متأسفانه نتیجه مثبتی تلقی نمی‌شود.

در سطح میانی، میانگین شاخص اعتماد سازمانی، اعتماد تأمین یافته به گروه‌های شغلی، نسبت به سال ۹۳ افزایش داشته است که بسیار مثبت است. ویژگی‌های اخلاقی مثبت و منفی هر دو کاهش داشتند که درباره بار منفی این کاهش خوشحال‌کننده است اما کاهش بداخلاقی مثبت مسئولین از نظر مردم می‌تواند نگران‌کننده باشد.

در سطح کلان، میانگین شاخص پنداشت نسبت به عملکرد نظام در حل مشکلات، میانگین شاخص پنداشت نسبت به نکویی جامعه (وجود عدالت و برابری) و همین‌طور میانگین شاخص ارزیابی نسبت به آینده نسبت به سال ۹۳ کاهش داشته است و در بعد کلان فقط میانگین شاخص پنداشت نسبت به نکویی جامعه افزایش داشته است که نتیجه کلی این موارد نشان‌دهنده سرمایه اجتماعی کلان کشور است که نسبت به سال ۹۳ کاهش داشته است.

با توجه به نتایج دو پیمایشی که در سال‌های ۱۳۹۳ و سال ۱۳۹۷ انجام شده، متأسفانه در کل همان‌طور که در نمودار شماره ۵ مشاهده می‌شود، در تمامی سطوح خرد، میانی و کلان سرمایه اجتماعی کشور به‌خصوص در سطح کلان کاهش پیدا کرده است؛ لذا این قضیه لزوم توجه بیشتر مسئولین به موضوع مهم سرمایه اجتماعی با توجه به نقش آن در توسعه و پیشرفت کشور را می‌طلبد. غفلت از این موضوع می‌تواند در آینده پیامدهای زیان‌بار و شاید جبران‌ناپذیری را برای کشور به همراه داشته باشد؛ چراکه همان‌طور که قبلاً اشاره شد، مهم‌ترین شاخصه‌های سرمایه اجتماعی اعتماد انسجام و مشارکت است؛ لذا اعتماد انسجام و مشارکت اعضای یک جامعه نسبت به خود و دیگران و نهادهای کلانتر مهم‌ترین و کلیدی‌ترین شاخصه‌هایی است که هر کشوری با تکیه بر آن می‌تواند در مسیر پیشرفت و توسعه گام بردارد؛ اما در صورت نبود آنها قطعاً هیچ‌گاه مثبت این میزان برداشت نمی‌شود که نشان‌دهنده این قضیه است که نه تنها اوضاع مطلوب نیست؛ بلکه باید منتظر بود که در آینده مشکلات کلان‌تری سراغ آن جامعه بیاید؛ چراکه سرمایه اجتماعی با اجتماع و جامعه مدنی در آن جامعه به‌عنوان اصلی‌ترین سرمایه هر کشوری سروکار دارد.



(منبع: پژوهش صورت‌گرفته توسط مرکز ملی رصد اجتماعی)

نتیجه‌گیری

اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی از مهم‌ترین عناصر مهم نظم اجتماعی محسوب می‌شود؛ لذا اگر در تعاملات اجتماعی میان اعضای یک جامعه بی‌اعتمادی حاکم یا سطح اعتماد اندک باشد، روابط پایدار میان اعضای جامعه کمتر برقرار می‌شود. در این میان اعتماد به دولت، به‌طور خاص برای توسعه سیاسی و در کل برای توسعه همه‌جانبه و پایدار از اهمیتی ویژه برخوردار است و مخدوش شدن آن می‌تواند بر نظام اداری و در مقیاس وسیع‌تر بر نظام سیاسی کشور زیان و هزینه‌های بسیار سنگینی را وارد آورد. کاهش اعتماد عمومی و فرسایش سرمایه اجتماعی شهروندان به دولت و

نهادهای سیاسی از بحران‌های جهان امروز است؛ بنابراین پژوهش در این عرصه برای دولت‌مردان و سیاستمداران قابل‌استفاده و آموزنده خواهد بود. با وجود اهمیت مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در جمهوری اسلامی ایران تاکنون پژوهشی در این حوزه صورت نگرفته است. پژوهش ما نخستین پژوهشی است که در صدد است مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در دولت روحانی را بررسی کند. جهت نیل به این مهم، به دلیل سابقه مفهوم سرمایه اجتماعی و جدید بودن این مفهوم در ایران و نیز کمبود سابقه پیمایش‌های ملی از ابزار فرار تحلیل استفاده کرده‌ایم. چنانچه رصدها نشان می‌دهد و در پیمایش بالا نیز به وضوح ذکر آن رفت، سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در برهه ۹۳ تا ۹۷ در سه سطح خرد، میانی و کلان به شدت کاهش یافته است؛ اما آیا این امر به خودی خود و به صورت طبیعی رخ داده است؟ به نظر می‌رسد که کاسته شدن از میزان اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی وابسته به نحوه مدیریت اجرایی کشور یا دولت است. به عبارتی دیگر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی متغیر وابسته‌ای است که به نحوه حکمرانی دولت روحانی به عنوان متغیر مستقل متکی است و در صورتی که متغیر مستقل را کاهش یا افزایش دهیم، متغیر وابسته ما نیز تغییر می‌کند.

نخستین عنصر اساسی حکمرانی خوب که بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در این برهه تأثیرگذار بوده است، افزایش کارآمدی است. به عبارت دیگر دولت روحانی نتوانسته است گسست بین خواسته‌های به حق مردم و خدمات دولتی را کاهش داده و مردم آن را دولتی «خدمتگزار» ببینند. هر چقدر دولت روحانی از انجام مسئولیت‌های خود در قبال مردم و تأمین نیازمندی‌های آنان ناتوان تر شده، ائتلاف سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی بیشتر شده است. عنصر دیگر در حکمرانی خوب کاهش فساد است. نفوذ فساد در انواع مختلف اداری، اقتصادی، فرهنگی و ... به درون ساخت رسمی دولت، به کاهش سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی منجر شده است. مهم‌ترین مصداق این امر که موجب کاهش اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی شد، می‌توان رسوایی فیش‌های حقوقی در سال ۱۳۹۵ دانست. شفافیت، از جمله موضوعات اساسی در مباحث کلان حکومت‌های مردم‌سالار و اصلاح اداره عمومی است که در جهت تقویت رابطه حکومت با شهروندان، به مثابه یک حرکت اساسی در بهبود سیاست‌گذاری قلمداد می‌شود؛ چنان که امروزه به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی حکمرانی خوب محسوب می‌شود. مردم چنانچه در جریان تصمیم‌گیری‌ها قرار گیرند، متوجه درستی و نادرستی آنها خواهند شد و نتیجه این امر، امنیت خاطر است که ملت نسبت به حکومت پیدا می‌کنند و در جهت استمرار و تقویت آن گام بر خواهند داشت. سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی متغیر وابسته‌ای است که یکی از متغیرهای مستقل آن، عامل تأثیرگذار شفافیت است. همین تعارض بین حرف و عمل در عملکرد شش ساله دولت روحانی نشان می‌دهد که این دولت بیشتر از آنچه به شفافیت علاقه داشته باشد، به محرمانه بودن علاقه دارد. بدون شک جوان‌گرایی یکی از ارکان کارآمدی حکومت است که سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی را ارتقا می‌دهد، اما این امر شمشیر دو لبه نیز است و می‌تواند از طریق خویشاوندسالاری، سرمایه اجتماعی را تضعیف کند. چنانچه این امر در دولت روحانی نمایان شد.

منابع

کتاب‌ها

- اوفه، کلاوس. (۱۳۸۴). چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت، در تاج‌بخش، کیان. سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاک‌باز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر سلام.
- تاج‌بخش، کیان. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاک‌باز، حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- دیویس، کیت و استورم، جاننیو. (۱۳۷۰). رفتار سازمانی، ترجمه دکتر محمدعلی طوسی، تهران: مرکز مدیریت دولتی.
- زاهدی، شمس‌السادات و ابراهیم‌پور، حبیب. (۱۳۹۱). حکمرانی مبتنی بر پایداری (با تأکید بر حفاظت محیطی)، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۷۵). راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای، تهران: انتشارات رشد.
- صالحی امیری، سید رضا و گاوسی، اسماعیل. (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، تحقیقات استراتژیک، پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۵). پایان نظم (بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن)، ترجمه: غلام عباس توسلی، تهران: جامعه ایرانیان.
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه احمد عقیلیان و افشین خاک‌باز، تهران: انتشارات طرح نو.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۰). پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.
- لرنی، منوچهر. (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی امنیت، تهران: انتشارات رامین.

مقالات

اسماعیلی، رضا. (۱۳۹۷). «بررسی رابطه دسترسی به کالاهای هنری و خدمات فرهنگی با سرمایه اجتماعی»، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۶۹، صص. ۱۰۶-۸۷.

افشار نادری، افسر. (۱۳۸۷). «نقش زنان در ارتقای سرمایه اجتماعی»، فصلنامه فرهنگی - دفاعی زنان و خانواده سال سوم، شماره ۱۲.

الماسی، حسن و حسینی، لیلا سادات. (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رضایت شغلی کارکنان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری»، پژوهش گردشگری، ۱ (۱).

حمدی، کریم و اصفهانی، مینا. (۱۳۸۷). «نقش مدیران فرهنگی در حفظ و ارتقاء سرمایه اجتماعی»، مجله مدیریت فرهنگی، شماره ۲، صص. ۸۲-۷۱.

شیری، حامد و مرشدی، ابوالفضل. (۱۳۸۹). «کانون‌های فرهنگی-هنری و توسعه سرمایه اجتماعی»، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۴۰، صص. ۱۷۶-۱۴۵.

غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی و پیشگیری از جرم»، در مجموعه مقالات نخستین همایش پیشگیری از جرم، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس، صص. ۲۶۳-۲۸۹.

مرکز ملی رصد اجتماعی. (۱۳۹۷). سنجش سرمایه اجتماعی کشور.

وکیل حیدری ساربان؛ صادق‌لو، طاهره و سجاسی قیداری، حمدالله. (۱۳۹۳). «تبیین نقش سرمایه اجتماعی در ارتقای رضایتمندی شغلی کشاورزان روستایی؛ مطالعه موردی: روستایان شهرستان مشگین شهر»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۱.

منابع لاتین

Bourdieu, p. (1986). the form of capital in Richardsou(ed); Handbook of theory and research for the sociology of Education New York, Green wood.

Frank, K. Topper, A. & Zhao, Y. (2001). Diffusion of innovations, social capital and sense of community. Paper presented at the annual meeting of American Educational Research Association, Seattle, WA.

Kaufman, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2010). The Worldwide Governance Indicator: Methodology and Analytical Issues. World Bank, The World Bank Development Research Group.

Leftwich, A. (1993). Governance, democracy and development in the Third World. Third World Quarterly 14(3): pp. 605-624.

Narayan, D. & Cassidy, M. F. (2001). A Dimensional Approach to Measuring Social Capital: Development and Validation of a Social Capital Inventory. *Current Sociology*, 49(2), pp. 59–102.

Portes, A. Landolt, P. (1996). The Downside of Social Capital, *The American Prospect*, May 1.

Putnam, RD. (2001). Social Capital: Measurement and Consequences. *Isuma: Canadian Journal of Policy Research [Internet]*.; pp. 41-51.

Putnam, R.D, Leonardi, R, Nanetti, R.Y. (1993). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*; Princeton University Press, Princeton, NJ.

Rosenfeld, R., & Steven F. Messner, and Eric B. (2001). "Social Capital and Homicide." *Social Forces* 80: pp. 283-309.